

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۵ آبان ۱۴۰۰
۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۳
۲۷ اکتبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۲۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۳
اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا



به علت اختلال در سامانه هوشمند سوخت توزیع بنزین در جایگاه‌های سراسر کشور قطع شد. عکس:الله فلاح، باشگاه خبرنگاران جوان

حق‌بان

تناسب جرم و مجازات و اختیارات قاضی

ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

البته علاوه بر مجازات تعیین‌شده در هر جرم، قواعد کلی برای تشدید یا تخفیف مجازات نیز وجود دارد که قاضی با توجه به شخصیت مجرم، پیشینه او و دیگر شرایط می‌تواند آنها را نیز اعمال کند. اما صحبت اصلی مربوط به میزان مجازات تعیین‌شده برای جرم ارتكابی است. در قانون مجازات اسلامی بحث سرعت، هم در بخش حدود و هم تعزیرات مطرح شده است. هرچند در بند «ج» شروط ۱۴گانه سرعت حدی در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی، حداقل میزان مال مسروقه «چهارونیم نخود طلای مسکوک» تعیین شده ولی در فصل بیست‌ویکم بخش تعزیرات تحت عنوان «سرقت و ربودن مال غیر» از مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ به انواع سرعت تعزیری پرداخته شده اما در هیچ‌یک از مواد حضایی برای مال مسروقه تعیین نشده است؛ در نتیجه حتی اگر ارزش مال مسروقه صد ریال هم باشد، می‌تواند منجر به مجازات آشد. نکته جالب در پرونده موسوم به سرعت بادم هندی، طرح شکایات و پیگیری شاکي با وجود ارزش نازل مال ربوده‌شده است!

با وجود پذیرش اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات در اصل سی‌وششم قانون، بسیاری از مجازات‌های تعیین‌شده در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی چندان هم قابل‌پیش‌بینی نیست؛ داشتن اختیار قاضی در تعیین یک یا دو مجازات از سه مجازات مشخص‌شده برای یزه ارتكابی که هرکدام از آنها دارای حداقل و حداکثر است و نوع آنها نیز (حبس، جزای نقدی و شلاق) بسیار متفاوت است، دست قضات را برای تعیین تعداد، نوع و میزان مجازات باز گذاشته و سلیقه قضات پذیرفته شده است.

۱۰ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق برای سرعت سه بسته بادم هندی! خبری که چند روز است تیت‌ر رسانه‌ها شده است و حتی مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه را به صدور اطلاعیه‌ای ناگزیر کرد: «برای بررسی حکم صادرشده در پرونده موسوم به سرعت بادم هندی و موضوع عدم تناسب مجازات تعیین‌شده با جرم رخ‌داده، هیئت‌ویژه‌ای در دادگستری استان قم تشکیل شده است. رئیس‌کل دادگستری استان قم به محض اطلاع از صدور حکم ۱۰ ماه حبس تعزیری و ۴۰ ضربه شلاق برای فردی که بادم هندی را از مغازه‌ای به سرعت برده است، دستور تشکیل هیئت ویژه‌ای را داده تا مسئله را از جنبه‌های مختلف بررسی نمایند...با توجه به لزوم تناسب بین جرم و مجازات و ابعاد حقوقی این پرونده هیئت مذکور تلاش خواهد کرد تا از تمام ظرفیت‌های قانونی برای تقلیل مجازات و کمک به محکوم این پرونده استفاده شود. رئیس عدلیه در طول سه ماه گذشته مکررا درخصوص لزوم توجه به تناسب احکام صادرشده با میزان جرم رخ‌داده نکاتی را متذکر شده‌اند...». در حقوق کیفری قاعده‌ای وجود دارد به نام «تناسب جرم و مجازات»؛ به این معنا که مجازات تعیین‌شده باید با جرم ارتكابی مناسبت داشته باشد و واکنش جامعه به کش مجرم، کمتر یا بیشتر از عمل ارتكابی او نباشد.

خبر

۷۷ درصد زنان در ایران در دوران پاندمی مورد خشونت قرار گرفته‌اند

دوپیچه‌وله؛ بر اساس نتایج تحقیقی که در میان پنج‌هزارو ۳۱۷ زن انجام شده، ۷۷.۲ درصد این زنان در دوران شیوع پاندمی کرونا حداقل یکی از انواع خشونت را تجربه کرده‌اند. این پژوهش از سوی پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی ایران و در پنج شهر تهران، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز انجام شده است. بر اساس این تحقیق از میان پنج‌هزارو ۳۱۷ زن پرسش‌شونده، چهار‌هزارو ۱۰۷ نفر حداقل یکی از انواع خشونت با بوده است، همچنین بر اساس این تحقیق، خشونت با

سی‌ان‌ان: مارک زاکربِرگ، مدیرعامل فیس‌بوک، به اخبار منتشرشده درباره اسناد داخلی فاش‌شده این شرکت واکنش نشان داد. زاکربِرگ گفت: «انتقاد با حسن‌نیت به ما کمک می‌کند تا بهتر شویم، اما نظر من این است که ما شاهد تلاشی هماهنگ برای استفاده انتخابی از اسناد فاش‌شده برای ترسیم تصویری نادرست از شرکت خود هستیم».

دیلی‌میل: اولین عکس از «حنا گوئیزر رید» ۲۴‌ساله و مسئول پرکردن تفنگی که به دست الک بالدوین داده شد تا به صورت تصادفی هالینا هاجنیز، مدیر فیلم‌برداری کشته شود، منتشر شد. او یکی از مسیبان اصلی حادثه بوده و باید پاسخ‌گو باشد. الک بالدوین هرنیهسه ۶۹‌ساله هالیوودی در سر صحنه فیلمی با شلیک گلوله مدیرفیلم‌برداری را کشته و کارگردان را زخمی کرده است.

زیر آسمان جهان

مردان به تحصیل بی‌اعتنا می‌شوند؟

• بی‌تردید نمی‌توان افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها و برخی محیط‌های کاری را نادیده گرفت. در این میان طبق یکی از آخرین نظرسنجی‌ها در آمریکا زنان طی پنج، شش سال آینده بیش از مردان از کالج‌ها و دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل خواهند شد. طبق تحقیق ریزو که بلبومِرگ آن را منتشر کرده است، از سال ۱۹۷۰ تعداد دانشجویانی که در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا ثبت‌نام کرده‌اند بیش از دو برابر شده است. در این مدت نسبت مرد به زن ۲۶ درصد تغییر کرده است. در سال ۱۹۷۲، قوانین فدرال (قانون نهم) برای افزایش برابری جنسیتی اجرائی شد. در آن زمان در دانشگاه‌ها حضور مردان ۱۲ درصد بیشتر از زنان بود. در ۱۰ سال بعد این شفاف از بین رفت. تا اینکه در سال ۲۰۱۹، ۱۴ درصد اختلاف فاصله ایجاد شد؛ این بار تعداد زنان بیشتر از مردان بود.

این تغییر تقریباً در هر بخش و دانشکده‌ای آشکار است. طبق گزارش مرکز ملی آمار آموزش و پرورش، برای مثال، زنان در روان‌شناسی بیش از سه‌ونیم برابر مردان مدرک به دست آورده‌اند. در همان سال، ۳۲ هزار مرد دیپلم ارتباطات را دریافت کردند در حالی که تقریباً ۶۰ هزار زن موفق به دریافت دیپلم شدند.

قبل از تصویب این قانون تنها ۱۱ درصد از دانشجویان دامپزشکی زن بودند اما سال ۲۰۰۷، میزان حضور زنان به ۷۵ درصد رسیده بود.

بر اساس گزارش مرکز تحقیقات پیو در بهار، STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات)، زنان توانستند ۳۵ درصد از فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد ریاضی، ۳۷ درصد از علوم فیزیکی، ۲۷ درصد از مهندسی و تنها ۱۹ درصد از درجه‌های کامپیوتر را کسب کنند. با این حال، زنان ۵۸ درصد از علوم زیست‌شناسی (کشاورزی، علوم محیط زیست و زیست‌شناسی) و ۸۳ درصد از مدارک در زمینه‌های مرتبط با سلامت را کسب کردند. در سال ۲۰۱۹، انجمن کالج‌های پزشکی آمریکا گزارش داد که زنان ۵۲.۴ درصد از دانش‌آموختگان را تشکیل می‌دهند. ریزو که این نظرسنجی زیر نظر آنها انجام شده، گزارش داده است: «ما می‌دانیم که آموزش برای اقتصاد و جامعه مفید است. افراد تحصیل‌کرده‌تر سالم‌ترند و بین تحصیلات و رشد اقتصادی ارتباط تثبیت‌شده‌ای وجود دارد. این یکی از دلایلی است که حتی امروز، ما برای حضور بیشتر زنان برای تحصیل تلاش می‌کنیم. البته دلیل تحصیل زنان همواره برابری جنسیتی بوده است، اما توسعه اقتصادی نیز وجود داشته و این شرایط به همان اندازه در مورد مردان صادق است». در این میان نمی‌توان تأثیر همه‌گیری را فراموش نکرد. ۶۰۳ هزار نفر کمتر از آغاز همه‌گیری در دانشگاه‌ها ثبت‌نام کرده‌اند و در این میان مردان هفت‌برابر بیشتر از زنان از ثبت‌نام خودداری کرده‌اند یعنی مردان ۵.۱ درصد از تحصیل انصراف داده‌اند و زنان ۰.۷ درصد. بر اساس گزارش ملی دانشجویی آمریکا طی پنج سال گذشته در کشور سراسر کشور ثبت‌نام دانشگاه ۱.۵ میلیون نفر کاهش یافته است و ۱.۱ میلیون یا ۷۱ درصد از این صندلی‌های خالی بیش‌تر توسط مردان پر می‌شد.

ریزو و امبر اسمیت گزارشی با عنوان «بحران حضور مردان در دانشگاه فقط در هنگام ثبت‌نام نیست، بلکه در هنگام تکمیل نیز هست». تهیه کرده‌اند که توسط مؤسسه بروکینگز در اوایل ماه اکتبر منتشر شده است. در این گزارش در مورد زمان لازم برای دریافت مدرک دوساله (کالج) یا چهارساله (دانشگاه) برای مردان در مقایسه با همسالان زن خود رنگ خطر را زده‌اند. در واقع کالج‌های دوساله هم آموزش فنی و هم دوره‌های هم‌سطح دانشگاه را ارائه می‌دهند که فرصتی مناسب است برای دانشجویان ضعیف از نظر تحصیلی و همچنین برای دانشجویان محروم که درصد زیادی از آنها سیاه‌پوست یا لاتین هستند، به گزارش ریزو و اسمیت، تنها ۴۰ درصد مردان در چهار سال از کالج یا دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند در حالی که ۵۰ درصد از زنان در این مدت به مدرک خود می‌رسند. این نظرسنجی بیش‌بینی کرده است در پنج سال آینده، در مجموع ۵۵ درصد مردان فارغ‌التحصیل می‌شوند در حالی که این رقم برای زنان نزدیک به ۶۵ درصد است. پس از شش سال در مجموع ۶۰ درصد مردان و ۶۷ درصد زنان مدرک خواهند داشت. مشکل این نیست که فارغ‌التحصیلی مردان بیشتر طول می‌کشد و در بسیاری از موارد، هزینه بیشتری برای مدرک تحصیلی پرداخت می‌کنند. بلکه طبق تحقیق مورد‌نظر این کندی عواقبی دارد و بدین معناست که «مردها راحت‌تر از خط خارج می‌شوند».

یومی‌یوری: پرنسس ماکو با نامزد جنجالی خود ازدواج کرده و موقعیت سلطنتی خود را دست می‌دهد. ماکو ۲۹‌ساله بزرگ‌ترین نوه دختری امپراتور سابق ژاپن آکی هیئو است که ۲۸ اکتبر رسماً و بدون تشریفات با یک مرد معمولی ازدواج خواهد کرد و از پست و مقام سلطنتی می‌افتد و مبلغ یک میلیون پوندی که هم‌کار بود رانصیش شود، به دست نخواهد آورد.

دغدغه‌های طبیبانه

قبولی در رشته پزشکی با سهمیه‌های مختلف

شود، آن‌هم رشته‌ای مانند پزشکی که سلامت جامعه به آن وابسته است، موضوعی خطرناک است. کسی که توانایی و دانش لازم برای حضور در رشته‌ای دانشگاهی را ندارد، نباید با ضرب‌وزور سهمیه و هزار چیز دیگر در این رشته‌ها به تحصیل بپردازد. اما در کنار اینها باید صدها دانشگاه غیرانتفاعی را نیز اضافه کرد که در ازای گرفتن پول عملاً مدرک را به متقاضیان می‌دهند؛ متقاضیانی که پس از فارغ‌التحصیلی ادعایی هم‌سطح با کسانی دارند که با زحمت و تلاش در بهترین دانشگاه‌های دولتی این‌مملکت قبول شده و درس خوانده‌اند و اکنون نیز به حق طالب جایگاه شایسته خود هستند. متأسفانه این سهمیه‌ها و بی‌عدالتی‌ها در این حد نیز باقی نمانده و در تمام سطوح آموزش عالی از جمله در جذب هیئت‌علمی نیز دیده می‌شود. مشخص است که این‌گونه احجاف‌ها تا چه میزانی می‌تواند سطح آموزش عالی را در مملکت ما پایین بیاورد؛ مملکتی که همین اکنون نیز از دایره توسعه عقب مانده و در تمام سطوح مشکلات عدیده‌ای دارد، تنها و تنها به مدد دانش و تخصص می‌تواند تا حدی از این دورنمای نامناسب فاصله بگیرد. وقتی اصرار ما کماکان بر رشد بی‌دانشی و فقدان تخصص باشد، معلوم است راهی که پیش می‌رویم، به ناکجاآباد ختم خواهد شد. گاه با خودم می‌اندیشم که چرا می‌نویسم، چرا این همه حرص‌وجوش می‌خورم. متأسفانه آنچه به جایی نمی‌رسد، فریاد است.

دغدغه‌های طبیبانه

قبولی در رشته پزشکی با سهمیه‌های مختلف

شود، آن‌هم رشته‌ای مانند پزشکی که سلامت جامعه به آن وابسته است، موضوعی خطرناک است. کسی که توانایی و دانش لازم برای حضور در رشته‌ای دانشگاهی را ندارد، نباید با ضرب‌وزور سهمیه و هزار چیز دیگر در این رشته‌ها به تحصیل بپردازد. اما در کنار اینها باید صدها دانشگاه غیرانتفاعی را نیز اضافه کرد که در ازای گرفتن پول عملاً مدرک را به متقاضیان می‌دهند؛ متقاضیانی که پس از فارغ‌التحصیلی ادعایی هم‌سطح با کسانی دارند که با زحمت و تلاش در بهترین دانشگاه‌های دولتی این‌مملکت قبول شده و درس خوانده‌اند و اکنون نیز به حق طالب جایگاه شایسته خود هستند. متأسفانه این سهمیه‌ها و بی‌عدالتی‌ها در این حد نیز باقی نمانده و در تمام سطوح آموزش عالی از جمله در جذب هیئت‌علمی نیز دیده می‌شود. مشخص است که این‌گونه احجاف‌ها تا چه میزانی می‌تواند سطح آموزش عالی را در مملکت ما پایین بیاورد؛ مملکتی که همین اکنون نیز از دایره توسعه عقب مانده و در تمام سطوح مشکلات عدیده‌ای دارد، تنها و تنها به مدد دانش و تخصص می‌تواند تا حدی از این دورنمای نامناسب فاصله بگیرد. وقتی اصرار ما کماکان بر رشد بی‌دانشی و فقدان تخصص باشد، معلوم است راهی که پیش می‌رویم، به ناکجاآباد ختم خواهد شد. گاه با خودم می‌اندیشم که چرا می‌نویسم، چرا این همه حرص‌وجوش می‌خورم. متأسفانه آنچه به جایی نمی‌رسد، فریاد است.

یادداشت

ضرورت بررسی سلامت روانی مجرمان از سوی متخصصان

یا خیر؟ کسی که پس از دستگیری، عمل خودش را تأیید می‌کند و می‌گوید دختر دیگر خودم را هم می‌کشم، آیا از منطق پیروی می‌کند؟ بنابراین می‌توان گفت این فرد قوه تمیز ندارد. او باور و عقیده‌ای دارد که هیچ دلیلی را بر رد آن نمی‌پذیرد. در اینجا باید به وجود هذیان مشکوک شویم. این مسئله‌ای است که هرکسی آن را احساس می‌کند؛ اینکه جنبه‌ای غیرعادی در رفتار مجرم وجود دارد. مسئله‌ای که در این پرونده مطرح شده، عبارت از فرزندکشی است. فرزندکشی در تعاریف روانپزشکی قانونی به معنای کشتن فرزند بیشتر از یک‌روزه است. برای اینکه بین این مفهوم و مفهوم «نوزادکشی» تمیز قائل شوند، چنین تعریفی را ایجاد کرده‌اند. فرزندکشی از سوی مادران دو برابر پدران انجام می‌شود. مقصود از فرزندکشی نیز اغلب به قتل کودکان اشاره دارد. من تاکنون ندیده بودم کشتن فرزند ۴۵‌ساله در طبقه‌بندی فرزندکشی قرار بگیرد. طبقه‌بندی جامعی درباره فرزندکشی وجود دارد که فردی به نام «اسکات» که روانپزشک مشهوری است، آن را ابداع کرده است. در این طبقه، تنها موردی که می‌توانیم به‌عنوان انحریزه یک فرزندکشی غیرعادی مثل اکتل‌های مشهور اکیبان با آن مواجه بودیم بیاوریم، عبارت است از «برخاشگری قابل اسناد به یک آسیب‌شناسی ذهنی عمده». در واقع اگر پرونده این قتل‌ها را ذیل عنوان «فرزندکشی» بیاوریم، باید بگوییم در پرونده قتل‌های اکیبان تنها کسی که یک آسیب‌شناسی ذهنی عمده دارد می‌تواند چنین برخاشگری‌ای را انجام دهد. همه این مسائل بیان‌شده، گزارش‌های اول و دوم درباره وضعیت روانی قاتل این پرونده را زیر سؤال می‌برد. ما باید ببینیم این شخص چه تشخیصی دارد. ما در روانپزشکی با دسته‌ای از بیماری‌های خفیف روانی مواجه هستیم. در آنجا فرد دارای مسئولیت کیفری است، چون قوه تشخیص خوب از بد دارد. اما برخی از اختلالات روان‌پریشی است که ما به آن روان‌پریشی می‌گوییم. در روان‌پریشی ارتباط فرد با واقعیت قطع شده که از ویژگی‌ها آن، وجود هذیان یا توهم است. نکته یابانی اینکه بسیاری این پرونده را در قالب پرونده قتل‌های سریالی دیده‌اند. قتل‌های سریالی به قتل‌هایی گفته می‌شود که بیش از سه قتل در یک بازه زمانی باشد و در این پرونده‌ها قاتل با طعمه‌های خود آشنا نیست. از آنجایی که در این پرونده سه قتل رخ داده که همه از نزدیکان و آشنایان قاتل بودند، بنابراین نمی‌توان آن را در دسته قتل‌های سریالی دید.

فرد فدایی

بدون شک یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای سال ۱۴۰۰، پرونده قتل‌های اکیبان است. با گذشت چند ماه از این قتل‌ها و با فاصله‌گرفتن از هیجان‌های اولیه آن، سراغ «فرد فدایی» رفتیم. یکی از استادان رشته روانپزشکی جانی که تاکنون با پرونده‌های مهمی درگیر بوده است. با او درباره دو گزارش‌ی که تاکنون درباره وضعیت سلامت روانی قاتل پرونده قتل‌های اکیبان به صورت رسمی منتشر شده است، صحبت کردیم؛ اینکه تا چه میزان این گزارش‌ها درست بودند و تا چه میزان تحت تأثیر هیجان و فضای رسانه‌ای رویداد؟

برای اینکه ببینیم فرد مجرم که شاید دچار بیماری روانی است، مسئولیت کیفری دارد یا خیر، باید مقدماتی را عرض کنم. نخست اینکه در حقوق کیفری ایران عناصر عمومی جرم شامل سه رکن است. یکی از آنها، عنصر قانونی است؛ یعنی فقط فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شود که در قانون مجازاتی برای آن سوء فاعل جرم است یا اراده آزاد او وقتی مرتکب جرم می‌شود و همین‌طور قوه تمیز خوب و بد در شخصی که عمل مجرمانه را انجام می‌دهد. سومین و آخرین رکن، عنصر مادی است که عبارت است از وضعیت عینی جرم و کار خطایی که انجام شده است. انجام‌شدن این کار برای اثبات‌شدن مسئولیت قانونی لازم است. ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی که مرتبط با صحبت ماست، می‌گوید هر وقت مرتکب حین ارتکاب جرم درگیر اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، «مجنون» محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد. بنابراین در مجاری قتل‌های اکیبان نیز ما باید ببینیم آیا ماده در اینجا انطباق پیدا می‌کند یا خیر. در واقع باید عرض کنم در این پرونده به نظر می‌آید عنصر روانی جرم مخدوش است. به نظر می‌رسد مجرم قوه تشخیص خوب و بد را ندارد. کسی که پسر، دختر و دامادش را به ادعای خودش به خاطر انحراف اخلاقی‌شان کشته، آیا توان تشخیص خوب یا بد را دارد

فرد فدایی

بدون شک یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای سال ۱۴۰۰، پرونده قتل‌های اکیبان است. با گذشت چند ماه از این قتل‌ها و با فاصله‌گرفتن از هیجان‌های اولیه آن، سراغ «فرد فدایی» رفتیم. یکی از استادان رشته روانپزشکی جانی که تاکنون با پرونده‌های مهمی درگیر بوده است. با او درباره دو گزارش‌ی که تاکنون درباره وضعیت سلامت روانی قاتل پرونده قتل‌های اکیبان به صورت رسمی منتشر شده است، صحبت کردیم؛ اینکه تا چه میزان این گزارش‌ها درست بودند و تا چه میزان تحت تأثیر هیجان و فضای رسانه‌ای رویداد؟

برای اینکه ببینیم فرد مجرم که شاید دچار بیماری روانی است، مسئولیت کیفری دارد یا خیر، باید مقدماتی را عرض کنم. نخست اینکه در حقوق کیفری ایران عناصر عمومی جرم شامل سه رکن است. یکی از آنها، عنصر قانونی است؛ یعنی فقط فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می‌شود که در قانون مجازاتی برای آن سوء فاعل جرم است یا اراده آزاد او وقتی مرتکب جرم می‌شود و همین‌طور قوه تمیز خوب و بد در شخصی که عمل مجرمانه را انجام می‌دهد. سومین و آخرین رکن، عنصر مادی است که عبارت است از وضعیت عینی جرم و کار خطایی که انجام شده است. انجام‌شدن این کار برای اثبات‌شدن مسئولیت قانونی لازم است. ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی که مرتبط با صحبت ماست، می‌گوید هر وقت مرتکب حین ارتکاب جرم درگیر اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، «مجنون» محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد. بنابراین در مجاری قتل‌های اکیبان نیز ما باید ببینیم آیا ماده در اینجا انطباق پیدا می‌کند یا خیر. در واقع باید عرض کنم در این پرونده به نظر می‌آید عنصر روانی جرم مخدوش است. به نظر می‌رسد مجرم قوه تشخیص خوب و بد را ندارد. کسی که پسر، دختر و دامادش را به ادعای خودش به خاطر انحراف اخلاقی‌شان کشته، آیا توان تشخیص خوب یا بد را دارد

بی‌بی‌سی: در آستانه برگزاری اجلاس آپ‌هوایی COP26 در کلاسکو، خبر از احتمال حضورنداشتن رئیس‌جمهور «شی» و «پوتین»، رهبران چین و روسیه، داده شده است و این نگرانی وجود دارد که حضورنداشتن آنها، ناامیدی در حل مسائل محیط‌زیستی را افزایش دهد. همچنین مسندساز معروف، سر دیوید اتنبرو، هشدار داد اگر اکنون درباره تغییرات آب‌وهوایی اقدام نکنیم، بعدها خیلی دیر خواهد شد.